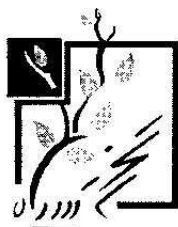




دس گاه مختصات نشتنم: گام ۱

گروه مؤلفان تخته سیاه



عنوان و نام پدیدآور : دستگاه مختصات ششم: گام ۱ / گروه مولفان تخته سیاه.

مشخصات نشر : تهران: تخته سیاه، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۶۸ ص؛ ۲۹×۲۲ س.م.

شابک : 978-600-406-250-3

وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر

شناسه اف‌ده : انتشارات تخته سیاه

شماره کتاب‌شناسی ملی : ۵۱۴۶۹۸۴

دستگاه مختصات ششم: گام ۱

گروه مؤلفان تخته سیاه

انتشارات: تخته سیاه

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۶-۲۵۰-۳

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

مقدمه ناشر

می‌دونم، کتاب خاطرات یک مُغ نوشته‌ی کوئیلو رو خوندید؟...

اگه نخوندین باید خدمتون عرض کنم که اولاً، ماجرای این کتاب واقعیه و برای نویسنده این کتاب اتفاق افتاده و زندگی اونو متحول کرده و دویماً نویسنده‌ی این کتاب عضویه فرقه‌ای به نام رام بوده که توی این فرقه با توجه به پیشرفتهای معنوی هر فرد به اون درجانی داده می‌شه که اسم یکی از این درجه‌ها «مغ» بوده و سیمماً داستان از زمانی شروع می‌شه که به کوئیلو خبر می‌دن مفتخر به دریافت لقب «مغ» در فرقه‌ی رام شده و لازمه برای برگزاری مراسم مربوطه به غاری واقع در قله‌ی یه کوه مراجعه کنه و اونجا طی مراسمی شمشیری رو از استادش تحویل بگیره و لقب مغ رو به دست بیاره.

خلاصه در دستتون ندم، کوئیلو که به غار می‌رسه در مقابل استادش می‌شیند و استادش یک شمشیر رو در مقابل کوئیلو قرار می‌ده و می‌گه تو افتخار کسب عنوان مغ رو پیدا کردی و کوئیلو با خوشحالی شمشیر رو از دست استادش می‌گیره. استاد یکباره برافروخته می‌شه و می‌گه تو لایق کسب این عنوان نیستی، چون غرور به تو مسوولی شد. زود شمشیر رو گرفتی، بعد شمشیر رو از کوئیلو پس می‌گیره و به اون می‌گه اگه می‌خوای اثبات کنی که لیاقت دریافت این شمشیر رو داری باید برای اسپانیا و به کمک راهنمایی به نام پطروس یک جانی داولانی و قدیمی به نام جاده‌ی سانتیاگو را طی کنی و در طول این جاده مجدداً شمشیرت رو پیدا کنی و «مغ» شی! و این طوری میشه که کوئیلو برنامه‌هاش رو جفت و جور می‌کنه و می‌ره جاده‌ی سانتیاگو....

در تمام طول سفر، کوئیلو مرتباً با وقایع و اتفاقات مختلفی مواجه می‌شه و هر بار به کمک پطروس به مشکلاتش فائق می‌یاد و درس جدیدی از زندگی رو به اندوخته‌هاش اضافه می‌کنه. درس مبارزه با ترس، مبارزه با مرگ و ... و در تمام طول سفر پطروس منتظر این بوده که کوئیلو به یک نکته‌ی اساسی و مهم پی بیره ولی متأسفانه کوئیلو فقط و فقط به دنبال شمشیرش بوده و به چیز دیگه‌ای بجز اون فکر نمی‌کرده و هر بار، در طول هر کدوم از مبارزه‌هایی که می‌کرده فقط به

فکر این بوده که شمشیر کجاست و آیا بعد از این مبارزه شمشیر رو پیدا می‌کنه یا نه، سفر کوئیلو چند ماه طول می‌کشه و نهایتاً در انتهای سفر و زمانی که شمشیر رو در دست می‌گیره متوجه می‌شه که اتفاق چندان مهمی رخ نداده و تازه به مهمترین نکته‌ی سفر پی بره....

کوئیلو متوجه می‌شه که هدف راه بوده نه شمشیر، اصل ماجرا این بوده که کوئیلو بیاد تو جاده‌ی سانتیاگو، مسیری طولانی رو طی کند و چیزهای مهمی رو یابد بگیره. چیزهایی که باعث شد کوئیلو بعد از سفر، زمین تا آسمون با کوئیلوی قبل از سفر تفاوت پیدا کنه در واقع تو دست گرفتن اون شمشیر، ارزش چندان نداشته و نکته‌ی مهم آموزش‌های زمان سفر بوده... و کوئیلو چقدر دیر این مطالب رو می‌فهمه....

آقا: به نظر شما مقبولا می‌شیم...

- اگر امسال قبول نشویم چی...

- این همه درس می‌خونیم معلوم نیست آخرش چی می‌شه ...

این حرفها رو که می‌شنوم فکر می‌کنم آخه تا کی باید این قدر هدف‌گرا باشیم، یعنی فقط مهمه که تو بری دانشگاه مهم نیست چه جوری. مهم نیست تو این راه یکساله چه درسهایی از زندگی می‌گیری، این همه تجربه که پیدا می‌کنی، این همه تفاوت که تو زندگی بوجود می‌یاد، همه و همهمش با قبول شدن یا نشدن تو ارزش پیدا می‌کنند. نه درست عزیز، تو هم تو اشتباهی، چشمهاتو باز کن، فقط دنبال شمشیرت نباش. هدف راهه، راه... راه...

مهم اینه که تو چه جوری این یکساله‌ی تا کنکور تو طی می‌کنی، در این مسیر یکساله چه چیزهایی یاد می‌گیری، چقدر تعالی پیدا می‌کنی و چقدر انسان‌تر می‌شی....

مهم فقط اون ۳ ساعت سر جلسه‌ی کنکور و نتیجه‌ی بعدش نیست اگه دوست داری تموم استرس‌های کنکور تو کنار بذاری اگر دوست‌داری با آرامش این مدت رو بگذرونی، باید باور کنی مهمترین نکته اینه که راهپیمایی قشنگی داشته باشی، مطمئن باش تو این راه یکساله اونقدر جا برای تغییر تو هست که ارزشش از قبولی تو هر رشته‌ای بیشتر باشه... مطمئن باش...